

## بازنمایی وجوه فرهنگی - تاریخی طریقت قتالی در گرسیرات فارس در قرون هفتم و هشتم قمری براساس دو تذکرۀ نویافته

یونس صادقی<sup>۱</sup>  
مجتبی خلیفه<sup>۲</sup>

**چکیده:** «طریقت قتالی» توسط «شاه سیف‌الله قتال» (۵۷۸-۶۷۴ق) از عرفای قرن هفتم هجری قمری پایه‌گذاری شده است. کانون استقرار اولیه این طریقت در حومه بغداد (ام عبیده) بود. همزمان با هجوم هولاکو به بغداد، شاه سیف‌الله قتال و همراهانش از طریق بصره وارد سواحل خلیج فارس شدند. از آنجا که گسترش جریان‌های فکری در خلیج فارس تابعی از متغیر جاده‌های تجاری است، این طریقت در نواحی پس‌کرانه‌ای ملوک کیش و هرموز گسترش یافت. شاه سیف‌الله قتال به دلیل امنیت مسیر تجاری کیش، در نواحی پس‌کرانه‌ای آن یعنی در «عماده» استقرار یافت و توانست از اتابکان فارس معافیت مالیاتی دریافت و با حاکمان لار رابطه محکم برقرار کند. فرزند او (سید کامل پیر) در منازعات سیاسی بین ملوک هرموز و کیش نقش مستقیم ایفا کرد. میراث فکری و فرهنگی این طریقت، به صورت تذکره‌های منظوم تحفه‌القلوب (اثر سید ابراهیم سید خلیل) و نیز تذکره مشور تحفه‌الراغبين (سید علی بن سید حمدی)، در منطقه جنوب فارس و هرمزگان بر جای مانده است. با توجه به اینکه این منابع تاکنون به‌طور کامل معرفی نشده‌اند، این مقاله بر آن است تا بر رویکرد توصیفی- تحلیلی، وجوه تاریخی- فرهنگی این طریقت را با تأکید بر این دو نسخه خطی نویافته، به عنوان یک مسئله تاریخی مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در پی برقراری امنیت در خلیج فارس و پس‌کرانه‌های آن در دوره ایلخانان، طریقت قتالی از نظر فکری و فرهنگی در فارس از جایگاه بر جسته‌ای برخوردار شدند و با حاکمان محلی وقت روابط مستحکمی برقرار کردند تا جایی که در کنش‌های سیاسی قرون هفتم و هشتم قمری به طریقی تأثیرگذار تبدیل شدند.

**واژه‌های کلیدی:** طریقت قتالی، شاه سیف‌الله قتال، سید کامل پیر، تحفه‌القلوب، تحفه‌الراغبين

۱ دانشجوی دکتری ایرانشناسی، بنیاد ایرانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی ysadeghi89@gmail.com

۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند (نویسنده مسؤول) mkhalfah@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۹ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۵/۱۲

## **Representation of Cultural-historical Aspects of Qattali Sect in Garmsirat, Fars Province in the 7<sup>th</sup> and 8<sup>th</sup> Centuries (AH) based on Two Newly-found Manuscripts**

Younes Sadeghi<sup>1</sup>

Mojtaba Kalifeh<sup>2</sup>

**Abstract:** Qattali sect was founded by "Shah Saifullah Qattal" (578-674 AH), one of the mystics of the 7<sup>th</sup> century (AH). Simultaneously with the invasion to Baghdad by Hulagu, Shah Saifullah Qattal and his companions migrated to the shores of the Persian Gulf via Basra. Due to the security of Kishcher trade route, Shah Saifullah Qattal could establish a territory for himself in this area, namely Emaddeh, obtain tax exempt from Atabaks of Fars and create strong relationships with the rulers of Lar. The intellectual and cultural heritage of this sect can be found in the region of southern Fars and Hormozgan in the form of poem manuscript called "Tohfat-Al-Qoloub" (by Sayyid Ibrahim Sayyid Khalil) and the prose manuscript called "Tohfat-Al-Rafgebin" (by Sayyid Ali ibn Sayyid Hamdi). Since these sources have not been fully introduced so far, this paper aims to study the historical-cultural aspects of this sect as a historical issue, with emphasis on newly found manuscripts, and using descriptive-analytical method. The findings of the research show that after the Mongol invasion, this sect was able to gain an intellectual-cultural status due to the security of the Persian Gulf regions and established strong relations with the local rulers of that time.

**Keywords:** Qattali sect, Shah Saifullah Qattal, Sayyid Kamel Pir, Tohfat-Al-Qoloub, Sayyid Ibrahim Sayyid Khalil.

---

1 Phd candidate of Iranology at Iranology Foundation of shahid beheshti University  
ysadeghi89@gmail.com

2 Assistant professor of departrment of History at Birjand Univercity (Corresponding Author)  
mkhalifeh@birjand.ac.ir

Received: 2021/01/28      Accepted: 2021/08/3

## مقدمه

براساس متون جغرافیای قدیم، ایالت فارس به دو منطقه «گرم‌سیر» یا «جروم» و «سرد‌سیر» یا «صرود» تقسیم می‌شد (اصطخری، [بی‌تا]: ۱۵۹؛ مقدسی، [بی‌تا]: ۴۶۸؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۳۰۸/۲؛ منهاج سراح، ۱۲۶۳: ۳۱۵/۲؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۷/۱). اساس اقتصاد مناطق گرم‌سیر بر بازرگانی استوار بود. به عبارت دیگر، آبادی‌های گرم‌سیری فارس نقش ارتباطی بین بنادر و جزایر خلیج فارس و مرکز ایالت ایفا می‌کردند. طی قرن هفتم قمری به سبب تغییرات سیاسی و نظامی ناشی از حمله مغولان و همچنین رونق گرفتن مسیرهای زمینی و تجارت دریایی، شهرهای پس‌کرانه‌ای مناطق گرم‌سیر فارس از موقعیت مناسبی برخوردار شدند و در مسیر کاروان‌های تجاری به سمت هرمز و کیش قرار گرفتند (Aubin, 1969: 21-37). این امر زمینه را برای رشد فعالیت طریقت‌های تصوف فراهم کرد. طریقت قتالی از این بستر تاریخی بهره گرفت و در نواحی ساحلی خلیج فارس استقرار پیدا کرد.

سید ابوالفضل ملقب به «شاه سیف‌الله قتال» و رهبر طریقت قتالی از شخصیت‌های مهم مذهبی-عرفانی قرن هفتم قمری بود. او در جمادی الاول ۵۷۸ در قریه «عیدیه» (ام عیدیه) از توابع بغداد به دنیا آمد و در روز دوشنبه بیستم ذی الحجه ۶۷۴ در «عمادده» از توابع بخش صحرایی باغ لارستان وفات یافت (نسخه خطی تحفه القلوب، ۷۷؛ تحفة الراغین، ۹۱؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۱۷۰). طریقتو که او بنیان گذاشت، به واسطه لقب او به «طریقت قتالی» مشهور شد.

در اوایل قرن هفتم «سید معلی بن نعیم» پدر شاه سیف‌الله قتال رهبر طریقت وفات یافت. پس از آن گروهی به سمت «سید تاج‌الدین منصور» برادر سید معلی رفتند و گروهی بر گرد شاه سیف‌الله قتال جمع شدند؛ اختلاف بین این دو گروه بالا گرفت. همزمان در جهان اسلام نیز اتفاقات مهمی مثل هجوم مغولان به بغداد به وقوع پیوست که بر وضعیت عمومی جاده‌های زمینی شرق به غرب ایران تأثیر گذاشت و در پی آن زمینه رشد و تقویت تجارت دریایی سواحل خلیج فارس مهیا شد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). امنیت سواحل جنوبی ایران این امکان را به شاه سیف‌الله قتال و صوفیان حامی وی داد تا از طریق بصره وارد سواحل خلیج فارس شوند. در قرون هفتم و هشتم تحولاتی در خلیج فارس روی داد که باعث شد دایرۀ نفوذ شاه سیف‌الله قتال

در حوزه جنوب ایران، از شیراز تا حد لار، هرموز، کرمان و نیز دیگر سواحل و جزایر خلیج فارس، عمان، مکران تا سرحد سند گسترش یابد؛ تا جایی که در آن زمان او در کنار چند طریقت مهم تصوف<sup>۱</sup> به عنوان قطب الاقطاب شناخته می‌شد (تحفة القلوب، ۱۴۷؛ تحفة الراغبین، ۷۵). با وجود اهمیت شاه سیف‌الله قتال و طریقت قتالی در حوزه جنوب ایران، تاکنون درباره زندگانی بنیان‌گذار طریقت قتالی و فرزندانش مطالعه مستقلی صورت نگرفته و منابع مطالعاتی بسیار اندکی در این زمینه وجود دارد. بر همین اساس، در نوشتار حاضر تلاش شده است ضمن معرفی نسخه‌های خطی منظوم تحفة القلوب و نسخه منتشر تحفة الراغبین برای نخستین بار و منابع دسته اول تاریخی و مطالعات میدانی، به بازنمایی وجوه فرهنگی- تاریخی این طریقت به عنوان مسئله اصلی پژوهش پرداخته شود. در حال حاضر پراکندگی جغرافیایی این طریقت به گونه‌ای است که سادات قتالی علاوه بر جنوب ایران، در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس (امارات، قطر، کویت و بحرین) و افغانستان هم زندگی می‌کنند و گستردگی جمعیتی قابل ملاحظه‌ای را تشکیل داده‌اند.

### پیشینه تحقیق

«محمد اعظم بنی عباسیان بستکی» در کتاب تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک (۱۳۳۹) در فصلی به زندگی شاه سیف‌الله قتال و فرزندش سید کامل پیر پرداخته است. ترجمة عربی این کتاب با عنوان احداث و وقائع و مشایخ بستگ و خنج و لنجه با توضیحات تکمیلی و تصاویر مربوط به سادات قتالی به چاپ رسیده است. در خصیمه کتاب دیوان محسی شاعر سده یازدهم قمری و از سادات قتالی، شرحی از زندگی شاه سیف‌الله قتال و سید کامل پیر بیان شده است. محمدباقر وثوقی<sup>۲</sup> در کتاب خنج گذرگاه باستانی لارستان و تاریخ مفصل لارستان برای نخستین بار تذکرہ تحفة الراغبین را به عنوان منبع مهم مطالعاتی سادات قتالی معرفی کرده است. محمد غریب حاتم کویتی در کتاب تاریخ عرب الهوله به صورت کوتاه درباره ورود سادات قتالی

۱ شیخ اکبر دورقی قطب خراسان؛ شیخ عمال الدین زنگی قطب نیشابور تا حد فارس؛ شیخ منصور غزوی قطب دشتستان؛ شیخ ابواسحاق کازرونی قطب فارس.

۲ در نگارش این مقاله از راهنمایی دکتر محمدباقر وثوقی بهره برده‌ایم که از ایشان کمال تشکر را داریم.

به ایران بحث کرده است. سید حسن بن سید عبدالرحیم استاد دانشگاه دوحه قطر پژوهش‌هایی درباره سلسله سادات قتالی انجام داده که از آن جمله می‌توان به کتاب اسعد العرين فی النسب السادة القتالین اشاره کرد (خلوری، ۱۸۹: ۲۰۰۵). از دیگر کتاب‌های مهم کتاب تذکرة الهاشیمی نسب السادات حسینی نوشته مصطفی بن سید عبدالرحیم سید بُرقان مصطفوی خلوری است که عمدۀ روایات کتاب او برگرفته از کتاب سید علی بن سید حمید (تحفة الراغبين) و دیوان منظوم سید ابراهیم سید خلیل است. مصطفوی پیش از این با بهره‌گیری از همین منابع کتابی با عنوان نسب و سلسله‌نامه سادات حسینی: ساکنین جنوب ایران، جزائر، بنادر و دیگر مناطق خلیج [فارس] در سال ۱۹۸۲ م. منتشر کرد که در سال ۲۰۰۵ با بازبینی و تغییر عنوان حسینی به حسینی (تغییر در نگرش نسب نامه‌ی سادات قتالی)، کتاب تذکرة الهاشیمی را منتشر کرد. هوشمند بستکی نیز در کتاب همت بستکی در قلمرو شعر و ادبیات فارسی اشاراتی به طریقت قتالی داشته است. در سال‌های اخیر مقاله‌ای با عنوان «معرفی کتاب منتشر نشده تحفة القلوب؛ بررسی نسخ خطی موجود» توسط محمدسعید دانشور (۱۳۹۲) نگاشته شده که مؤلف دو نسخه از چهار نسخه تذکره تحفة القلوب را دیده است. اتکای این مقاله بیشتر بر ویژگی ظاهری نسخه و زندگی مؤلف آن یعنی سید ابراهیم سید خلیل بوده است.

## ۱. معرفی دو نسخه خطی نویافته طریقت قتالی

### ۲-۱. تحفة الراغبين

از جمله متون کهن درباره زندگی شاه سیف‌الله قتال و اولادش، تذکره تحفة الراغبين است. نویسنده این اثر سید علی بن سید حمید در قرن دهم هجری قمری (بعد از سال ۹۵۰ق) زندگی می‌کرده و این نسخه را از عربی به فارسی ترجمه کرده است. این نسخه به نظر بوده و با عنایوین تحفة المحتیم و تحفة القلوب و الانساب و النسبة هم نامیده شده است. گویا از روی این نسخه کتابات‌های مختلفی صورت گرفته است؛ نویسنده کتاب تنبیه المنکرین من فضائل اولیاء الصالحین در این مورد نوشته است: «آنکه چون کتاب مستطاب المسما به تحفة الراغبين تذکره انساب علیه جلیه و خاطرات منور حضرت جدنا و مولانا سید ابوالفضل محمد الملقب به شاه سیف‌الله

القتال قدس الله سره العزیز فی کل حال رونوشت نسخه قدیم تصنیف و ترقین ملکی صفات آن قطب سپهر معرفت سید علی بن سید حمدی که تاکنون چهارصد و بیست و یک سال گذشته مشهود و قابل قرائت و به دسترس هر طالب و شایق نرسیده و نبود- لذا این بند ضعیف هیچ مدان رمزی از ایشان و تراب اقدام درویشان احمد بن الحاج سید محمد بن سید عبدالرحمن بن سید محمد بن الحاج سید خلیل قتالی قبأً و الحسینی نسباً و الموسوی حسباً و قریه کل وطنناً و الحال فی قطر الدوحة سکناً عاشقانه در تجدید این نسخه قدیم فرسوده سعی بلیغ ورزیده تا به مرحله تجدید رسانیده بنا تا آنکه سلسله مطهر قتالی بیان و واضح و روشن گردد» (القتالی الکالی، ۱۴۰۳: ۴). همچنین شخصی به نام «عبدالرحیم بن مصطفی بن محمد زمان العباسی» در سال ۱۴۰۳ق. این نسخه را دوباره کتابت کرده است؛ به همین دلیل نیمة دوم کتاب با عنوان تذكرة الاولیاء المسمى *تُبْحَثَةُ الرَّاغِبِينَ* فی ذکر حالات شاه سیف الله القتال قدس الله سره العزیز نامیده شده است.

## ۲-۱. تحفة القلوب

تذکره تحفة القلوب اثر سید ابراهیم سید خلیل یکی از شاعران قرن سیزدهم قمری اهل روستای «کال»<sup>۱</sup> واقع در جنوب فارس است. جد وی سید محی الدین (محیا) از شعرای معروف فارس بوده است. نویسنده تذکره نوه سید خلیل بن سید ابراهیم بن خلیل تاج الدین نوه شاه سیف الله قتال بوده است. پدر سید خلیل نخستین فردی بوده که در سال ۱۲۴۴ق. تذکره را استنساخ کرده و سپس پرسش سید ابراهیم تذکره را به نظم درآورده است. وی نسخه خود را از روی نسخه‌ای مربوط به سده یازدهم و متعلق به جدش محیا تهیه کرده است. این منظومه به نام سلسله هاشمی یا سلسله الهاشمیه نام گذاری شده است. سید ابراهیم سید خلیل برای نگارش اثر خود علاوه بر کتاب تحفة الراغبین، از روایات قابل اعتماد شخصی به نام «سید موسی» از شاگردان «شیخ عمام» معروف به « حاج محمد» که حدود صد سال در جوار مرقد قتال زندگی کرده، بهره برده است. وی منابع مورد استفاده خود درباره نسب قتال را چنین بیان

۱ از توابع بخش اشکان شهرستان لامرد.

کرده است: «درباره نسب سادات در جنوب ایران از سید موسی سوال کردم. او گفت من تمامی کتب سیره و نسب نزد عرب و عجم از جمله کتاب‌های تذکره سید احمد بن موسی الکاظم معروف به (شاه چراغ در شیراز) و تذکره شاذلی و تذکره سادات حضرموت و تذکره سید محمد بن سید علی در ظفار و تذکره سید راجو یکی از فرزندان سید قتال در حیدرآباد هند را مطالعه نمودم و نسب حسینی سید شاه سیف‌الله قتال را از آنها جستجو شدم. او به هنگام مراجعه و خواندن پی در پی تذکره شاه چراغ آنچه را که بر نسب موسوی و حسینی سید قتال داشت برایم توضیح داد. همچنین با استناد به برخی فرمان‌های پادشاهان صفوی مانند شاه عباس و شاه سلطان حسین و دست‌نوشته‌های سید محمد باقر مجلسی دانشمند مشخص کرد که سید شاه سیف‌الله قتال حکیمی بزرگ از سلاله اطهار بوده که از بغداد به جنوب ایران مهاجرت فرموده و در آنجا مسکن گزیده و شخصیت بزرگواری از نسل ابراهیم، موسی الکاظم می‌باشد» (خلوری، ۲۰۰۵: ۲۰۰؛ تحفة القلوب، ۳۹).

علاوه بر آن، سید ابراهیم سید خلیل به کتاب بهجه که در بردارنده زندگینامه شاه سیف‌الله قتال و سید احمد رفاعی کبیر<sup>۱</sup> بوده و نیز کتاب النسابه دسترسی داشته است. تذکره تحفة القلوب بر وزن مثنوی در پانزده هزار بیت و چهار نسخه نوشته شده است. در هر صفحه ۱۴ بیت در متن و ۲۶ بیت به صورت مورب در بالا و حاشیه صفحات نگاشته شده است. چهار نسخه تذکره در بندر خمیر، قشم<sup>۲</sup>، روستای کال و روستای چاه بنارد<sup>۳</sup> موجود است که توسط آقای سید عبدالباعث قتالی از معتمدان محلی بندر خمیر جمع‌آوری شده و در اختیار نگارنده‌گان قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

موضوع اصلی این مثنوی سادات قتالی جنوب ایران است. شروع کار شاعر بنا به گفته خودش «سنّة مرغوب» یعنی سال ۱۲۴۸ق. بوده و پایان یکی از نسخ را سال

<sup>۱</sup> احمد الرفاعی و فرقه او از فرق صوفیانه معروف سده ششم و هفتم قمری در عراق بوده‌اند؛ به گونه‌ای که اسلام‌پذیری احمد تکودار را تحت تأثیر صوفیان احمدیه (منتسب به احمد الرفاعی) دانسته‌اند. برای دیدن گزارشی تحلیلی درباره احمد الرفاعی و این طریقت صوفیانه در دوره ایلخانان، ر.ک. به:

"The Conversion of Tegüder Ilkhan to Islam" (2001), *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* (XXV), pp.15-43.

<sup>۲</sup> نسخه قشم در اختیار خانواده مدنی بوده است (مصاحبه حضوری با آقای سید عبدالباعث قتالی).

<sup>۳</sup> روستایی از توابع شهرستان بستک در استان هرمزگان.

<sup>۴</sup> از آقای سید عبدالباعث قتالی برای در اختیار قرار دادن این نسخه خطی کمال تشکر را داریم.

غرس یعنی ۱۲۶۰ق. بیان کرده است. البته از ذکر تولد بعضی از سادات نام برده شده در دیوان معلوم می شود که تا سال ۱۲۸۳ کار نگارش کتاب ادامه داشته است (تحفه القلوب، مقدمه). از سید ابراهیم سید خلیل اثر دیگری با عنوان تذکرة العلماء و المشايخ فی جهانگیریه و سواحل جنوب و نیز سفرنامه‌ای منتشرشده در بیان برخی روستاها و مناطق خلیج فارس که سادات قتالی در آنجا ساکن بوده‌اند، موجود است.

در مجموع، بین نسخه‌های منظوم و منثور درباره زندگانی شاه سیف‌الله قتال، تذکره منتشر تحفه الراغبین به دلیل قدمت اثر و نسخه منظوم تحفه القلوب به دلیل استفاده از چهار نسخه تذکره و منابعی که سید خلیل سید ابراهیم استفاده کرده و اکنون در دسترس نیستند، از جامعیت برخوردار بوده و اساس نوشتار حاضر را تشکیل داده است.

## ۲. زمینه‌های فرهنگی طریقت قتالی

### ۱-۲. سلسله‌نسب خانوادگی شاه سیف‌الله قتال

سید قتال یا «محمدبن معلی بن نعیم» مکنی به ابوالفضل و ملقب به شاه سیف‌الله قتال بوده است (تحفه القلوب، ۶۰). نسب وی از سوی پدر به امام موسی کاظم(ع) و از سوی مادر به سید احمد رفاعی از عرفای قرن ششم قمری و مؤسس طریقت رفاعیه می‌رسد. سید قتال از سادات حسینی بوده است (تحفه القلوب، ۷۷-۵۷؛ القتالی الکالی، ۱۴۰۳: ۱۶؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۱۷۰). نسب‌نامه پدری سید قتال «سید محمدبن معلی بن برقان بن سید علی بن حسن بن زین العابدین علی بن حسین بن سید نجم الدین مهدی بن ابوالقاسم محمدبن حسین بن احمدبن موسی الثاني ملقب به مرتضی بن موسی الكاظم» بوده است. مادر سید قتال نیز «عالیه ملوک» دختر علی غیاث الدین پسر خواهر سید احمد رفاعی بوده است (تحفه الراغبین، ۴۲؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۲۰۰؛ غریب حاتم، ۱۴۴۷: ۱۲۳).

### ۲-۲. سلسله‌نسب فکری شاه سیف‌الله قتال

درباره نام‌گذاری این طریقت به «قتالی»، در منابع مکتوب این طریقت اشاراتی وجود دارد. براساس یکی از این روایات، شاه سیف‌الله در بارگاه حضرت علی(ع) از طریق

عزلت و انزوا و کشف شهود، بر نفس امّاره<sup>۱</sup> و مُلَهَّمَه<sup>۲</sup> خود فائق شده و به قتال معروف شد (تحفة القلوب، ۹۹)؛<sup>۳</sup> از آن پس این خاندان و طریقت برآمده از آن، به «قتالی» معروف شد.<sup>۴</sup>

شاه سیف‌الله قتال در اوایل جوانی از طریق ریاضت و چله‌نشینی‌های مکرر، سعی در تزکیة روح و بهره‌گیری از آداب عرفانی داشت. براساس مندرجات تذکره تحضیه الراغبین، شاه سیف‌الله قتال به مدت سی سال در سلوک عبادت بود؛ چنان‌که در این مدت سخنی نگفت و طعام و شراب کم می‌خورد (تحفة القلوب، ۴۹). او به سبب تعلیم معانی عرفانی از طریق سید احمد رفاعی کمیر، با بخش بزرگی از تصوف آشنا شد. از دیدگاه شاه سیف‌الله قتال، تصوف دو نوع عام و خاص دارد. در تصوف عام، شخص باید دل در طاعت حق تعالی داشته باشد و در تصوف خاص، سور و شوق درونی و قلبی، مرتبه‌ای از عشق در عرفان را برای انسان رقم می‌زند (تحفة القلوب، ۱۷۳؛ تحفة الراغبین، ۸۸). سید قتال خود را در زمرة عرفای دسته دوم می‌دانست. از دیدگاه قتال، سه عمل ملاک درویشان در دنیاست: دست شستن از علاقه به دنیا؛ در شب به طهارت خوابیدن و ذکر خدای عز و جل کردن. همچنین او تقوارا بر چهار نوع از دنیا گذشت، طالب بودن، رضای حق نگاه داشتن و امر به معروف می‌دانسته است (تحفة القلوب، ۸۴). این معانی از طریق «سید نجم الدین اخضر» دایی شاه سیف‌الله قتال که با سید احمد رفاعی کمیر خوشاوند بود، به سید قتال منتقل شده و مبنای فکری او را تشکیل داده بود.

براساس نسخه خطی تحفة القلوب، سلسله‌نسب فکری شاه سیف‌الله قتال بدین صورت عنوان شده است: اول بازیید بسطامی قطب بسطام؛ دوم معروف کرخی قطب

<sup>۱</sup> یعنی امر کننده به طرف لذات و امور ممنوعه.

<sup>۲</sup> یعنی خیالات فاسد و وسوسه شیطانی.

<sup>۳</sup> آمد از آن روضهٔ انسور صلا

پایهٔ قتالیت بالا گرفت

بر اشاره شیر یزدانی علی

حسب الأمر مرتضی گوهر شده است

(تحفة القلوب، ۹۹)

<sup>۴</sup> «از مرقد منور مطهر مقدس شاه اولیا علی مرتضی آوازی برآمد که اهلأ و سهلاً و مرحباً ای قتال و اسم و لقب قتالی به اشاره اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در آن روز حواله آن حضرت شد» (تحفة الراغبین، ۴۸؛ ۱۶: ۴۰۳).

بغداد؛ سوم ابوالحسن قطب بصره؛ چهارم عبیدالله شیخ خفیف قطب شیراز؛ پنجم احمد بن خلف قطب اهل غیب؛ ششم شیخ عبدالله انصاری؛ هفتم شاه زین الدین علی بن نعیم؛ هشتم شیخ آهرس قطب تابعین؛ نهم سید احمد الرفاعی الكبير و دهم شاه سیف‌الله قتال (تحفة القلوب، ۱۴۹). بدین ترتیب، مشخص می‌شود که شاه سیف‌الله قتال اندیشه‌های عرفانی خود را از دو طریق اقطاب بزرگ تصوف و سلسله‌نسب خانوادگی خود به ارث برده است. جایگاه فکری این خاندان در عراق و وجود سید احمد رفاعی باعث توجه بیش از پیش او به مبانی فکری و عرفانی شده بود.

### ۳-۲. شیوه تبلیغی طریقت قتالی

طریقت‌های صوفیه برای تبلیغ آیین و آداب خود از شیوه‌های مختلفی بهره می‌گرفتند. از جمله شیوه‌های تبلیغی این طریقت آن بود که در بردهای از سال حدود هفت تا ده نفر از خادمان بین شهرها و مناطق جنوبی ایران به راه می‌افتدند و با حمل پرچمی مخصوص و نواختن دف و خواندن سرودهای زیبای مذهبی و توزیع حلوا و شیرینی بین اهالی، هدایا و نذرورات آنان را جمع آوری می‌کردند و از این طریق پیوندی بین سادات قتالی و مردم مناطق جنوبی به وجود می‌آوردند (خلوری، ۲۰۰۵: ۱۸۰-۱۸۲). در روایتی دیگر به شیوه‌های تبلیغی طریقت قتالی اشاره شده است. هنگامی که سید کامل پیر پسر شاه سیف‌الله قتال و همراهانش به دستور پدر به زیارت «رکن‌الدین دانیال خنجی» رهبر طریقت دانیالیه به جنوب فارس رفته‌اند<sup>۱</sup> همراهان سید کامل به سمع برخاستند؛ که این امر با اعتراض فقهای خنج<sup>۲</sup> همراه شد. سید کامل پیر در جواب گفت «این حال است و شما اهل قالید و شما ادراک این معنی ندارید سخن کوتاه کنید» (تحفة القلوب، ۲۴۴؛ ۱۱۷). از دیگر سنن و آداب رایج در بین دراویش و صوفیان طریقت قتالی آن بود که در ایام ماه رب هر سال بر گرد بقیه شاه سیف‌الله قتال جمع می‌شدند و

۱ پس به فرمان پدر آن شاهزاد  
آندر آنجا بود شخصی از کمال

(تحفة القلوب، ۲۳۷)

۲ خنج برای نخستین بار در متن کتاب فردوس المرشدیه به نام «هنگ» ذکر شده است ( محمودین عثمان، ۱۳۳۳: ۴۲۶).

هفت شبانه روز را به ذکر و سمع و چرخ صوفیانه می‌گذرانند (خلوری، ۲۰۰۵: ۱۸۰-۱۸۲).

#### ۴-۲ . مفاخر فرهنگی (تداوم طریقت قتالی)

یکی دیگر از مصادیق فرهنگی طریقت قتالی، وجود مفاخر فکری- فرهنگی است که موجب تداوم و حفظ میراث این طریقت شده است.

سید محیا

سید محی الدین بن تاج الدین متخلص به «محیا» متولد عمامده، از اولاد سید کامل پیر فرزند شاه سیف الله قاتل رهبر طریقت قتالی است. سید محی الدین (محیا) ساکن کمال و از صلحاء و عرفای دوره خود در حدود لارستان و جهانگیریه (بستک) و بنادر بود. از وی اشعار زیادی بر جای مانده است؛ به ویژه دویتی‌های او که به «شلوا» یا «شروا» معروف است (بنی عباسیان بستکی، ۱۳۲۹، ۲۹؛ حیبی، ۱۳۷۷: ۲۸). دوران حیات شاعر را می‌توان بین سال‌های ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۰ یا ۱۰۹۸ یا ۱۱۰۰ دانست. وی در شعری به بخشی از حیات خود اشاره کرده است:

«چه خوش باشد هوای بُنگِر<sup>۱</sup> بیخ کباب پازنان باشد سر سیخ  
شکار افکنده محیا با رفیقان به سیت اربعین و ألف تاریخ»  
(محیا، ۱۳۹۰: ۵۳)

تنها شاهد تاریخی که تاریخ زندگی شاعر را نشان می‌دهد، همین دو بیت شعر است که در آن به سال ۱۰۴۶ق، یعنی دوران جوانی شاعر، تقریباً مقارن با فتح بندرعباس توسط شاه عباس صفوی اشاره شده است (همو، مقدمه، ۱۱-۱۵). تاریخ وفات سید محیا به طور دقیق معلوم نیست. مقبره او در روستای کمال در کنار جدش سید کامل پیر قرار دارد.

علاوه بر افراد نامبرده، شخصیت‌هایی چون «سید علی بن سید حمدی» نویسنده تحفة الراغین و «سید ابراهیم سید خلیل» کاتب تذکرہ تحفة القلوب نقش مؤثری در تداوم فرهنگی- فکری طریقت قتالی داشتند.

<sup>۱</sup> «بنگر بیخ» نام محلی در فریه کال از توابع لامرد است و خود کلمه بُنگر (BONGER) در اصطلاح بندری به معنی محلی است که آب زیادی در آن جمع شده و عمیق باشد (محیا، ۱۳۹۰: مقدمه، ۱۲).

### ۳. زمینه‌های تاریخی طریقت قتالی

#### ۱-۳. زندگی و زمانه شاه سیف‌الله قتال

شاه سیف‌الله قتال در دامان دایی خود «سید نجم الدین اخضر» خواهرزاده سید احمد رفاعی پرورش یافت (*تحفة القلوب*، ۶۷). وی به دنبال اختلاف بر سر ریاست طریقت، از «ام عییده» به نجف اشرف مسافرت کرد و در آنجا به مدت دو سال در بارگاه امام علی (ع) معتکف شد (*تحفة الراغبين*، ۴۸). سپس دوباره به ام عییده بازگشت و پس از درنگی کوتاه روانه مکه شد. در آنجا با «شیخه» دختر عجلان مکی ازدواج کرد و از او صاحب پسری به نام «سید کامل پیر» شد که پس از پدر زعمت طریقت قتالی را به دست گرفت. شاه سیف‌الله قتال پس از هفت سال سکونت در مدینه، روانه بغداد شد و در آنجا به انتشار تصوف و طریقت پرداخت (خلوری، ۲۰۰۵، ۱۷۰-۱۷۴).

#### ۲-۳. زمینه‌های مهاجرت به ایران

پس از هجوم مغولان به بغداد، شاه سیف‌الله قتال به همراه بسیاری از فرزندان خاندان و عشیره و اصحاب و پیروانش که بیشتر از ۱۲۰ خانوار بودند، بغداد را به قصد سواحل ایران ترک کرد (*تحفة القلوب*، ۱۱۱). درباره عمل مهاجرت شاه سیف‌الله قتال به ایران نظرات مختلفی وجود دارد. عده‌ای بر این باورند که شاه سیف‌الله قتال پس از مدتی اقامت در بغداد و آشنایی با علمای ایرانی و به دعوت ایرانیان مقیم بغداد، به همراه عده زیادی با مال و دواب از طریق بندر نخلیو وارد ایران شد (خلوری، ۱۹۸۲: ۸). براساس روایتی دیگر، چون سادات و صوفیان از حضور شاه سیف‌الله قتال در بغداد ناراضی بودند، خواستار خروج قتال از سرحدات بغداد شدند (*تحفة الراغبين*، ۵۹).

به نظر می‌رسد فضای سیاسی جنوب ایران بعد از سقوط بغداد توسط مغولان، زمینه مهاجرت سادات قتالی به ایران را هموار کرد. تحولات ناشی از هجوم مغولان

---

۱ روی بر اقلیم فارس برنهاد از فراقش ملک بغداد آن زمان (*تحفة القلوب*، ۱۱)

راه‌های زمینی در بخش شمال، مرکز و غرب ایران را نامن کرده بود. تنها نواحی جنوب و به‌ویژه مناطق گرسیری فارس و راه‌های پس‌کرانه‌ای آن از امنیت برخوردار بود. شبانکارگان بر شرق فارس و مسیر هرموز تسلط داشتند؛ ملوک بنی قیصر نیز تحت حمایت اتابکان فارس بر جزیره کیش و اطراف آن مسلط بودند و امنیت را در آن مناطق برقرار کرده بودند. در این زمان کیش از جایگاه اقتصادی ویژه‌ای برخوردار بود (مستوفی، ۱۳۸۸: ۳۳۹-۳۳۳؛ وثوقی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). این موقعیت ویژه باعث شد پیروان طریقت قتالی در مناطق پس‌کرانه‌ای کیش ساکن شوند و مسیر مهاجرت آنان بر پایه همین رونق نواحی پس‌کرانه‌ای کیش ترسیم شد. شاه سیف‌الله قتال پس از عبور از بصره، به محلی به نام «ماخول»<sup>۱</sup> در حاشیه سواحل خلیج فارس رسید. او با وجود مخالفت برخی پیروانش به دلیل عدم امکان بهره‌برداری از چاه‌های آب آنجا برای شرب، دستور ماندن در آنجا را صادر کرد (تحفة القلوب، ۱۱۵؛ تحفة الراغبين، ۶؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۱۷۰-۱۷۴). سید قتال از ماخول روانه «بندر نوبند»<sup>۲</sup> و سپس عازم «شیرویه»<sup>۳</sup> شد، اما به دلیل آب‌وهوای نامساعد از آنجا نیز رهسپار دیار «رستاق» از نواحی پس‌کرانه‌ای کیش شد. در این مقطع شاه سیف‌الله قتال با «شیخ رکن‌الدین دانیال» رهبر طریقت دانیالیه در خنج در جنوب فارس (شبانکارهای، ۱۳۶۳: ۲۱۷/۲؛ ابن‌بطوطه، ۱۳۶۱: ۳۰۵/۱) ارتباط برقرار کرد و به هم‌صحبتی با او پرداخت (تحفة القلوب، ۱۱۷؛ تحفة الراغبين، ۶۳).

شاه سیف‌الله پس از آن به منطقه «نخلیو» رفت و برای مدت کوتاهی به همراه پیروانش در آنجا ماند. این محل بعدها به سبب اقامت سید به نام «مقام»<sup>۴</sup> خوانده شد. سید به همراه فرزندان و عشیره‌اش از راه قلعه «میمون»<sup>۵</sup> و «فداخ»<sup>۶</sup> به صحرای راشدیه (دشت‌ویه باغور) رسید. پیروان وی با حاکم آنجا «میر راشد عرب» در گیر شدند، اما با درایت سید قتال مشاجره به پایان رسید (تحفة الراغبين، ۶؛ خلوری،

۱ نام بیابانی در حاشیه سواحل خلیج فارس.

۲ بندری در ساحل خلیج فارس.

۳ از توابع حاجی‌آباد استان هرمزگان.

۴ روستایی از توابع بخش شبیکوه شهرستان بندر لنگه.

۵ واقع در دهستان فداغ و دهستان خلیلی از توابع شهرستان گراش در جنوب فارس.

۶ نام دهستانی در لارستان.

۲۰۰۵: ۱۷۴). سید قتال پس از مدتی سکونت در پس کرانه‌های خلیج فارس، به شیراز رفت و دو سال در محله «سنگ سیاه» نزدیک به بارگاه سید حاجی غریب اقامت گزید<sup>۱</sup> (تحفة القلوب، ۱۸۵؛ تحفة الراغین، ۱۰۴). سپس شاه سیف‌الله قتال به همراه پیروانش شیراز را به مقصد بغداد ترک کرد. در طول مسیر تصمیم گرفت در ناحیه خوش آب و هوایی به نام «استاس»<sup>۲</sup> اقامت گزیند. سکونت سید قتال در استاس که از آن پس به «عمادده» معروف شد، باعث رونق و شکوفایی این منطقه پس کرانه‌ای خلیج فارس شد. به طور کلی مسیر مهاجرتی سید قتال از ورود به خلیج فارس تا رفتن به شیراز و در نهایت بازگشت به سمت نواحی لار، بر مبنای امنیت مسیر تجاری حکام کیش و اتابکان فارس بوده است.

سید قتال پس از عمری طولانی، در سال ۶۷۴ق. درگذشت. وی وصیت کرده بود مانند پیامبر اسلام جسدش را بر شتر حمل کنند و هرجا شتر زانو زد او را آنجا دفن کنند. «هرگاه داعی حق را لیک اجابة گوید و مرغ روح از قفس بدن طیران نماید و به آشیانه علیین قرار گیرد جسد مرا حمل شتری گردانید و رها کنید تا که هرجا خواسته خدای تعالی بود زانو زدن مدفن مرا آنجا سازید» (تحفة القلوب، ۲۰۵؛ تحفة الراغین، ۹۲). در نهایت، شاه سیف‌الله قتال در روستای «عمادده» لارستان به خاک سپرده شد و این منطقه به کانون طریقت قتالی تبدیل شد.

### ۳-۳: سیف‌الله قتال و اتابکان فارس

همزمان با ورود شاه سیف‌الله قتال به فارس، سلطان اتابک سعد بن زنگی (۵۹۹-۶۲۳ق) حاکم فارس بود (تحفة الراغین، ۶۷). در نسخه خطی تحفة القلوب از سلطان اتابک یاد شده (۱۲۹)؛ در صورتی که در تذكرة الهاشمی شاه سلجوق پسر سنجر حاکم اتابکان دانسته شده است (۱۷۴). در کتاب تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستک نیز سلجوقشاه بن سلغر پادشاه اتابکان فارس نامیده شده است

در محله کان بود سنگ سیاه  
یعنی سد حاجی غریب مشتهر  
جان اهل دل به بزم آورده بود  
(تحفة القلوب، ۱۸۵)

۱ لیک در شیراز آن عالم بنای  
هست نزدیک رواق آن گهه  
دو سنه آنجا توقف کرده بود

۲ در صد کیلومتری غربی شهر لار.

(۶۳). از آنجا که در این دوره کیش توسط اتابکان فارس اداره می‌شد (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۷۷)، مناطق ساحلی خلیج فارس که محل اقامت سادات قتالی بود نیز تحت اختیار اتابکان فارس بود و حکام محلی تابع اتابکان بودند.

وقتی شاه سیف‌الله قتال با پیروان خود در «دشتويه باغور» ساکن شدند، «آغا احمد» حاکم آن نواحی پیکی نزد اتابک فارس فرستاد و او را از سکونت گروهی از اعراب در بخشی از خطه لار و عدم پرداخت مالیات و خراج توسط آنها آگاه کرد (تحفة القلوب، ۱۲۹)؛ به همین دلیل به فرمان اتابک از شیراز عده‌ای سوار به سرکردگی «علیشاه» به «دشتويه» و «عمادده» رفتند و افراد عشیره قتال را تحت تعقیب قرار دادند و آنها را وادر به پرداخت مالیات یا ترک ناحیه کردند. براساس متون مرتبط با سادات قتالی، در پی دعای قتال سردار سپاه اتابکان به دل درد شدیدی مبتلا شد و سپاهیانش نیز به تب و امراض ناگهانی مبتلا شدند. سپس لشکر اتابکان که به کرامت سید قتال پی برده بودند، به شیراز مراجعت کردند. در این زمان ابوبکر بن سعد زنگی (۶۲۳-۶۵۸ق) به تازگی بر تخت سلطنت نشسته بود<sup>۱</sup> (تحفة القلوب، ۱۳۴). وی پس از شنیدن گزارش مأموریت علیشاه، فرمانی مبنی بر ارادت خالصانه خود نسبت به سید قتال و نیز واگذاری صحاری و اراضی «دشتويه باغور» و اطراف قلعه «میمون فداغ» و توابع آن به وی صادر کرد<sup>۲</sup> و توسط علیشاه به دست قتال رساند (تحفة القلوب، ۱۷۹-۱۸۵؛ تحفة الراغبين، ۶۷؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۱۷۴).

بدین ترتیب، شاه سیف‌الله قتال در دوره اتابکان فارس به عنصر مهمی در گرسیرات فارس تبدیل شد و بخش زیادی از مردم در زمرة معتقدان او درآمدند. همین امر باعث گشترش طریقت قتالی در پهنه وسیعی از نواحی جنوب ایران شد.

جانب شیراز رفتند آن گروه  
در دل و جان مهر آن سلطان جان  
واقعی دیدند حالات عیان  
در لباس تعزیه بودند همه  
(تحفة القلوب، ۱۳۴)

۱ پس به امر آن شه عالی شکوه  
در غُنق طوق عبودیت شان  
تارسیدند شهر شیراز آن کسان  
شهر پرغوغا بد از آن واهمه

۱ از جمله اراضی که شاه اتابکی جدید به سید شاه سیف‌الله قتال اختصاص داد، قطعه زمینی به نام «چاه خنچی» در اطراف عمادده بود که تا به امروز در تملک سادات عمادده و نوادگان قتال است (خلوری، ۲۰۰۵: ۱۷۴).

### ۴-۳: شاه سیف‌الله قتال و حاکمان لار

در قرن هفتم قمری سید قتال به شخصیتی مهم نزد حکام محلی جنوب ایران و گرمسیرات فارس تبدیل شد. پس از اتابکان فارس، نوبت به حاکمان لار رسید تا علاقه خود را به شاه سیف‌الله قتال نشان دهنند. حکام دارالامان لار با بزرگان خود به خدمت شاه سیف‌الله قتال آمدند و از ارادتمدان او شدند.

حمدالله شکر حی کردگار	ماه بغدادی بشد طالع ز لار
شام ملک مصر و روم پر نیاز	آفتاب شام خورشید حجاز
خاور لارش مشارق کرد حق	جیب فرسش صبح صادق کرد شق
آمدش اقبال شد ادب ابار را	گشت شاهنشاه تخت لار را
برده از اقلیم سبعه او سبق	شد مشرف لار از آن سلطان حق

(تحفة القلوب، ۱۳۶؛ تحفة الراغبين، ۷۱)

ارادت حاکمان لار به شاه سیف‌الله قتال تا چند قرن بعد ادامه داشت.

در سال ۹۷۴ق. قحطی شدیدی گریبان خطة لار را گرفت. حاکم لار «جلال الدین ابراهیم خان بن سلطان مبارز الدین محمدیک» نواده نظام الدین معروف به «علاء‌الملک» (اقداری، ۱۳۲۴: ۷۳) به قصد طلب باران، با ادب و احترام و با پای برهمه ساعتی را در جوار بارگاه سید قتال به دعا گذراند تا به خواسته خود برسد (تحفة القلوب، ۱۹۹). پس از این واقعه علاء‌الملک دستور به ساخت و ترمیم مساجد و مرقد شاه سیف‌الله قتال داد و فرمان داد بر سر مدفن تمامی اولاد سید قتال قبه و بارگاهی بسازند و وصیت کرده بود جنازه او را در جوار سید قتال دفن کنند.

بقعه‌های اولیا دادش قرار	خرج گنبدها بداد آن خان لار
پرتوی از حضرت قتال یافت	بس که از اخلاص در خدمت شتافت

(تحفة القلوب، ۱۹۹)

حاکم بعدی لار «عباسقلی خان» ساختمان مرقد سید را بازسازی و تعمیر کرد (تحفة الراغبين، ۹۹؛ خلوری، ۱۷۹: ۲۰۰۵). براساس مندرجات نسخه خطی تحفة القلوب (۲۰۰)،<sup>۱</sup> پس از آن حاکمان لار مخارج آرامگاه شاه سیف‌الله قتال را در

۱ زان سبب هر کس که گشته خان لار  
باعث جاه و جلال دنیوی  
(تحفة القلوب، ۲۰۰)

عمادده پرداخت کردند که نشان دهنده تأثیر مکتب قتالی در بین حاکمان لار و نواحی گرمیسری فارس بوده است.

### ۵-۳. سید کامل پیر

شاه سیف‌الله قتال دوازده و به تعبیری چهارده یا پانزده پسر و تنها یک دختر (عایشه) داشت. شش پسر وی به مقامات عالی تصوف و عرفان رسیده بودند (تحفة الراغین، ۷۷؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۱۷۷). «سید کامل پیر» پسر شاه سیف‌الله قتال در سال ۲۸۶ق. از بانویی مکتیبار که دختر علی (عجلان) مذهب‌الدوله بود، به دنیا آمد. چون او با موهای سپید به دنیا آمد، به این نام خوانده شد. سید کامل به همراه یکی از پسرانش به نام «شمس‌الدین محمد» به روستای «ده هنگ» از توابع بستک در بندر لنگه مسافرت کرد و با عالمی به نام «شیخ حمزه رشدی» که سمت استادی او را داشت، ملاقات کرد. سید فخرالدین کامل پیر حکم خلافت و جامه ازرق بر تن شیخ خود کرد و او را در زمرة همراهان خود درآورد (تحفة الراغین، ۱۱۴).

### ۶-۳. سید کامل پیر و ملوک هرموز و کیش

یکی از مهم‌ترین وظایف سید کامل پیر مسافرت به بیشتر شهرها و بنادر جنوب ایران بود. همین امر زمینه آشنایی وی با ملوک کیش و هرموز را فراهم کرد. تا اوایل قرن هشتم قمری مقر حکومت ملوک هرموز در ساحل خلیج‌فارس و شهری به نام «هرموز» نزدیک «میناب» کنونی برپا بود، اما در سال ۶۹۹ق. به دنبال تاخت و تاز مغولان (غازان خان مغول) در نواحی جنوب، حاکم هرموز به نام «بها الدین ایاز‌سیفین» (۶۹۲-۷۱۱ق) تصمیم به انتقال مرکز حکومت خود به جزیره‌ای که «جرون» نامیده می‌شد، گرفت (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۶۹؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۲۹؛ شبانکارهای، ۱۳۶۳: ۲۱۷/۲؛ نطنزی، ۱۳۸۳: ۴۲). براساس شواهد تاریخی موجود، این جزیره که تحت تملک سلطان کیش قرار داشت، توسط یکی از پیروان «شیخ دانیال» با نام «شیخ اسماعیل» از حاکم کیش خریداری و به «بها الدین ایاز» واگذار شد (Aubin, 1969: 21-37؛ Teixeira, 1958: 159-163؛ و شووقی، ۱۳۷۴: ۵۱). انتقال پایتخت به جرون دو پیامد مهم داشت. نخست در امان ماندن از تهاجمات بی‌رویه

مغولان و قدرتمندان فارس و کرمان؛ دوم امکان بیشتر عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه هرموز که به معنی کسب درآمدهای تازه برای هرموز بود (وثوقی، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

در حوزه ملوک کیش، «ملک غیاث الدین» و «ملک فخر الدین احمد» فرزندان «جمال الدین طبی»<sup>۱</sup> در تاریخ کیش به نام «قیس ملکان» شهرت پیدا کردند. در دوره آنها از سوی ملوک کیش تهاجماتی به ملوک هرموز در دوره قطب الدین تهمتن (۷۱۸-۷۴۷ق) صورت گرفت (شبانکاره، ۱۳۶۳: ۲۱۹/۲؛ وثوقی، ۱۳۷۴: ۵۰). قطب الدین تهمتن از سید فخر الدین کامل پیر رهبر طریقت قتالی که در نواحی پس کرانه‌ای کیش بود، درخواست کمک کرد. سید کامل از طریق مسیر «شناس»<sup>۲</sup> راهی جرون شد و مورد استقبال سلطان تورانشاه حاکم هرموز قرار گرفت؛ چنان‌که محل اقامت سید کامل پیر در جرون، با نام «گنبد سیدان» معروف شد. سلطان تورانشاه هدایای بسیاری به سید کامل پیر پیشکش کرد، اما سید که هدف سفر خود را تنها نشر دین و دعوت مردم به امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست، از پذیرش هدایا خودداری کرد (تحفة الراغین، ۱۲۲؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۱۸۰-۱۸۲). او در این سفر، در جریان درگیری بین ملوک کیش و هرموز و لشکرکشی‌های مداوم شاه کیش به جرون قرار گرفت. بر همین اساس، تورانشاه از سید کامل پیر تقاضا کرد دست حاکم کیش را از این خطه کوتاه سازد<sup>۳</sup> (تحفة القلوب، ۲۶۱). سید کامل پیر در جواب گفت: «خیالات خوف از مطرح نظر و اندیشه دور دارید که من بعد دست تغلب و تطاول آن ستمکار به دامن و کنار این دریا نخواهد رسید. عساکری برداشته و در بندر شناس ما را عزیزی هست شیخ یعقوب نام اتفاق کنید و این عصا و

۱ برای اطلاعات بیشتر درباره خاندان «طبی» بنگرید به: (ابن‌زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹؛ خیراندیش، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

۲ از بنادر حومة بخش مرکزی بندر لنگه.

<sup>۳</sup>

پیش آمد حاکم ملک جران  
با وزیران عرض کردند آنچنان  
شاه قیس هرسال می‌سازد خراب  
آنکه ملک ما بود در اضطراب  
تا که غارت می‌نماید مردمان  
مردمان از مال و جان خود کند  
می‌فرستد لشکر خود در جران  
ظلم او بر ما زیاد از حد کند  
حاجت ما این بودای شاه دین  
(تحفة القلوب، ۲۶۱)

شمیر ما را به او رسانید که از جانب الله سبحانه و تعالی جل جلاله قیس به شما مرجوع شده» (*تحفة الراغبين*، ۱۲۶).

بدین ترتیب، حاکم جرون با سپاهیان خود به سمت کیش حرکت کردند و عصا و شمشیر سید کامل پیر را با خود برداشتند و در روستای «شناس» خدمت شیخ یعقوب رسیدند و با همراهی او متوجه «قیس ملکان» شدند. وقتی نزدیک کیش شدند، حاکم آنجا از طریق دخترش از کثارت سپاه جرون آگاه شد که توجهی نکرد. پس سپاه جرون شب‌هنگام روستایی در اطراف کیش را تسخیر کرد که پس از آن به «شب‌گیر» معروف شد. سپس تمام جزیره کیش مسخر و به دارالسلطنه جرون منضم شد (*تحفة القلوب*، ۲۶۵-۲۶۰؛ *تحفة الراغبين*، ۱۲۶-۱۳۰). این جریان مهم تاریخی باعث انتقال حوزه‌های تجاری خلیج فارس از «کیش» به «هرموز» شد و استقلال و قدرت سیاسی ملوک هرموز و همه رفت‌آمدتها در خلیج فارس را به هرموز متهی کرد (آیتی، ۱۳۸۳: ۱۶۹؛ منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۲۹؛ شبانکارهای، ۱۳۶۳: ۲۱۷/۲؛ نظری، ۱۳۸۳: ۴۴). این امر برای طریقت قتالی موقعیت ممتازی فراهم کرد تا بیش از پیش در مناطق پس‌کرانه‌ای خلیج فارس و ملوک هرموز به گسترش طریقت خود مشغول شوند.

حاکم جرون به افتخار این پیروزی عصا و شمشیر سید فخرالدین کامل بن قتال را در خزانه مخصوص خود نگه داشت؛ تا اینکه این عصا به دست شخصی به نام «محمدشاه بنکروئی» افتاد و چندین سال در خاندان آنان ماند. در تاریخ ۹۸۱ق. «جلال‌الدین ابراهیم خان بن محمدبیک لاری» آن را از رؤسای بنکرویه گرفت و در دوره «نور الدهر» حاکم محلی منطقه، به «زاده عفیف‌الدین یعقوب» تحويل داده شد. این عصا بعدها به مکه رسید (*تحفة القلوب*، ۲۶۰-۲۶۵؛ *تحفة الراغبين*، ۱۳۱).

سید کامل پیر بعد از مراجعت از هرموز، در سال ۷۲۱ق. در ۹۳ سالگی وفات یافت و در روستای کل در جنوب فارس به خاک سپرده شد (*تحفة القلوب*، ۲۷۰؛ *تحفة الراغبين*، ۱۳۵). هنگامی که خبر وفات او به جزایر قشم و هرموز رسید، سلطان تورانشاه دستور داد بسیاری از مردم منطقه در بنای ساختمان قبه و بارگاه سید کامل مشارکت کنند. گروه بسیاری از مردم در «کمشک»<sup>۱</sup> استقرار یافتند و به

۱ در بخش فرامزن شهرستان بستک.

«کال» رفند و در آنجا مرقد سید کامل پیر را با مسجد، گنبد، بارگاه و دو عدد آب انبار<sup>۱</sup> بنا کردند (تحفة القلوب، ۲۸۹؛ تحفة الراغین، ۱۳۷؛ خلوری، ۲۰۰۵: ۱۸۲-۱۸۰). به این ترتیب، دوره حیات سید کامل پیر و نقش آفرینی او در منازعات حاکمان خلیج فارس به پایان رسید. از آن پس بقیه او در روستای کال محل مراجعة حاکمان و مردم قرار گرفت.

## ۵. پراکندگی جغرافیایی طریقت قتالی

درباره پراکندگی جغرافیایی طریقت قتالی می‌توان گفت عمدده در محدوده صحرای باغ لارستان فارس به عنوان مدفن شاه سیف‌الله قتال و پسر کوچکش سید فخرالدین معلی، نقش کلیدی در طریقت قتالی داشته و محل رجوع پیروان طریقت قتالی بدانجا بوده است.<sup>۲</sup> فرزندان شاه سیف‌الله قتال نیز در مناطق مختلف جنوب ایران پراکنده بودند و از این طریق به گسترش پراکندگی جغرافیایی طریقت قتالی کمک کردن؛ از جمله سید کامل پیر جانشین او که در روستای کال از توابع اشکنان لامرد زندگی کرد و در آنجا به خاک سپرده شد. یا سید غیب‌الله مشهور به «شاه غیب» در رودخانه شور، حوالی خنج در جنوب فارس مدفون شد (القتالی الکمالی، ۱۴۰۳: ۱۶). سید شرف‌الدین فضل‌الله در «روستاق» از توابع شبکوه بندر لنگه، سید نورالدین جودر در طارم هرمزگان و دختر سید قتال به نام عایشه در جلگه‌ای در صحرای طارم که به «دشت عایشه» معروف شده، مدفون‌اند. سید جلال‌الدین احمد در «أهل» از توابع لامرد فارس، سید مسروور در یزد و سید جمال‌الدین جری در خراسان دفن شده‌اند (خلوری، ۲۰۰۵، ۲۰۰۷). در حوزه خارج از جغرافیای فعلی ایران نیز فرزندان قتال حضور داشته‌اند؛ از جمله سید تاج‌الدین سلیمان در بغداد عراق و سید شمس‌الدین راجو صاحب تذکره راجو در حیدرآباد هند بودند (خلوری، ۲۰۰۵، ۱۷۷). براساس مندرجات تذکره، محدوده نفوذ طریقت قتالی بدین صورت ترسیم شده است:

۱. عمار این ساختمان‌ها شخصی به نام شیخ علی کازرونی بود.

۲. محدوده جغرافیایی این منطقه مزین استان فارس و هرمزگان و دارای آب و هوای گرم و خشک در تابستان است (رؤئین تن زروانی، ۲۰۰۴: ۱).

از حدود فرس و شیراز و عراق  
ملک عمان جمله سامان عرب  
کیچ و مکران بلوچستان مگر  
تا حد کرمان زمین ای نازنین  
پیش لطفش جمله کرده آشتی  
اندران سامان‌ها دارند مقام

(تحفة القلوب، ۱۴۸)

امروزه نیز نوادگان سادات قتالی علاوه بر بخش‌های جنوبی ایران، در کشورهای حوزه خلیج فارس مثل قطر، امارات، بحرین، کویت و هرات افغانستان ساکن‌اند.

بوده قطب عالمی بی طمطراق  
لار و هرمود<sup>۱</sup> و جزایر العجب  
خط جلفا و توابع هم دگر  
ملک هندوستان و نخلستان زمین  
جمله در تحت تصرف داشتی  
تاکنوش باز اولاد کرام

### نتیجه‌گیری

طریقت قتالی به رهبری شاه سیف‌الله قتال از مهم‌ترین طریقت‌های مذهبی- عرفانی قرن هفتم قمری بود. او با وام گیری از اندیشه‌های سید احمد رفاعی کیم رهبر طریقه رفاعیه در قرن ششم قمری، توانست به مدارج بالای عرفانی برسد و خود شاخصه‌ای از طریقت را بنیان گذارد. به دنبال اختلاف بر سر ریاست طریقت با عمومی خود و هجوم مغولان به بغداد و به سبب ناامنی مسیرهای موصلاتی شرق و غرب ایران، عمدۀ مسیرهای تجاری به سمت جنوب کشیده شد. از همین روی، ملوک کیش در خلیج فارس و اتابکان فارس محیطی امن به وجود آوردند که زمینه مهاجرت شاه سیف‌الله قتال از طریق بصره به خلیج فارس فراهم شد. از آنجا که گسترش جریان‌های فکری، تابعی از متغیرهای مسیرهای تجاری است، این طریقت به مرور جایگاه فکری- فرهنگی مهمی در نواحی خلیج فارس به دست آورد؛ چنان که اتابکان فارس به او ارادت پیدا کردند و بخشی از اراضی محل سکونت شاه سیف‌الله قتال را از مالیات معاف کردند. حاکمان لار نیز به سبب احترام ویژه‌ای که برای او قائل بودند، در ساخت و تعمیر گند و بارگاهش در عمامده تا چند قرن نقش

۱ روستایی از توابع صحراء باغ لارستان.

مهمی ایفا کردند. سید کامل پیر فرزند سید قتال از طریق مسافرت به نقاط مختلف جنوب ایران در گسترش طریقت قتالی نقش ایفا کرد؛ به همین دلیل مورد توجه ملوک هرموز قرار گرفت و در فتح کیش توسط امرای هرموز نقش مستقیم داشت. در این نوشتار، روایت نو نسخه‌های خطی تذكرة القلوب و تحفه الراغبین از این جریان مهم تاریخی قرن هشتم مورد بررسی قرار گرفت. جابه‌جایی هرموز به جای کیش در قرن هشتم باعث توجه و گسترش طریقت قتالی شد. این طریقت به سبب ارشاد فرزندان سید قتال بر گستره جغرافیایی وسیعی از جنوب ایران و خراسان و یزد و کرمان و سیستان تا نواحی عمان پراکنده شد. امروزه نیز سادات قتالی علاوه بر ایران در کشورهای حوزه خلیج فارس و افغانستان سکونت دارند. در مجموع، نوشتار حاضر با معرفی نسخه‌های خطی این طریقت برای نخستین بار، به وجوده فرهنگی-تاریخی طریقت قتالی در قرون هفتم و هشتم پرداخت و از این منظر روابط این طریقت با حاکمان سیاسی خطة جنوب و گسترش و پراکندگی جغرافیایی طریقت مورد بررسی قرار گرفت.

## منابع و مأخذ

### الف. کتب و مقالات

- آیتی، عبدالحمد (۱۳۸۳)، تحریر تاریخ و صاف، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد (۱۳۶۱)، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۸)، صورۃ الارض، ج ۲، بیروت: دار صادر.
- ابن زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد (۱۳۸۹)، شیرازنامه، به کوشش محمدجواد جلدی و احسان الله شکراللهی، تهران: فرهنگستان هنر.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد [بی تا]، المسالک و الممالک، تحقیق ابوزید احمدبن سهل، بیروت: دار صادر.
- اقداری، احمد (۱۳۳۴)، لارستان کهن، تهران: [بی نا].
- بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم (۱۳۳۹)، تاریخ جهانگیریه و بنی عباسیان بستکی، به کوشش عباس انجم روز، [بی جا]: [بی نا].
- حبیبی، احمد (۱۳۷۷)، محیا شاعری از جنوب، شیراز: انتشارات نوید.

- خلوری، مصطفی عبدالرحیم مصطفوی (۱۹۸۲م/۱۳۶۱ش)، *نسب و ساسله‌نامه سادات حسنی: ساکنین جنوب ایران، جزائر، بنادر و دیگر مناطق خلیج، امارات متحده عربی*: [بی‌نا].
- ..... (۲۰۰۵م)، *تذکرة الهاشمی نسب السادات حسینی*، دبی: دولة الامارات العربية المتحدة، وزارة الاعلام و الثقافة.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۹۴)، *فارسیان در برابر مغولان*، تهران: آباد بوم.
- دانشور، محمدسعید (۱۳۹۳)، «معرفی کتاب منتشرشده تحفه القلوب بررسی نسخ خطی موجود»، *هشتمنی همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی*، دانشگاه زنجان.
- روئین تن زروانی، جعفر (۲۰۰۴)، *صحراء باغ در گذرگاه تاریخ*، دبی: [بی‌نا].
- شبانکارهای، محمدبن علی بن محمد (۱۳۶۳)، *جمع الانساب*، تصحیح میر هاشم محدث، ج ۲، تهران: امیر کبیر.
- غریب حاتم، محمد (۱۴۴۷ق/۱۹۹۷م)، *تاریخ عرب الْهَوَّةِ*، الكويت: دار الامین للطباعة و النشر و التوزيع.
- القتالی الکالی، سید محمد (۱۴۰۳)، *تنبیه المنکرین من فضائل اولیاء الصالحین*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- محمودبن عثمان (۱۳۳۳)، *فردوس المرشدیہ فی اسرار الصمدیہ*، به کوشش ایرج افسار، تهران: چاپخانه مجلس.
- محیا، سید محی الدین بن تاج الدین (۱۳۹۰)، *دیوان محیا*، به کوشش محمد نور بخشایش، شیراز: ایلاف.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۸)، *خطernامه*، تصحیح پروانه نیک طبع، ج ۶، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مقدسی، محمدبن احمد شمس الدین [بی‌تا]، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، بیروت: دار صادر، ج ۲.
- منشی کرمانی، ناصر الدین (۱۳۶۲)، *سمط العلی للحضرۃ العلیا*، تصحیح عباس اقبال آشتیبانی، زیر نظر محمد قزوینی، تهران: اساطیر.
- منهاج سراج جوزجانی، عثمان بن محمد (۱۳۶۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحسین حبیبی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.
- نظری، معین الدین (۱۳۸۳)، *منتخب التواریخ*، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر؛ نسخه دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۷۴)، *خنج گذرگاه باستانی لارستان*، قم: انتشارات خرم.
- ..... (۱۳۸۹)، *علل و عوامل جابجایی کانوزهای تجاری در خلیج فارس*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت: دار صادر.

### ب. نسخه‌های خطی

- الکالی القتالی، سید ابراهیم سید خلیل، دیوان تحفة القلوب، نسخه خطی، تحت تملک آقای سید عبدالباعث قتالی.
- .....، تذكرة العلاماء والمشايخ فی جهانگیرة و سواحل جنوب، نسخه خطی، تحت تملک آقای سید عبدالباعث قتالی.
- سید حمدى، سید علی، تذكرة الاولیاء المسمى بتحفة الراغبين فی ذکر حالات شاه سیف الله القتال قدس الله سره العزیز، نسخه خطی.
- Aubin, jean ( 1969), “La survie de shilsu et la ruote du khunj -o- Fal”, *Iran*, No.7, London: pp.21-37.
- Teixiera, Pedro (1958), *kings of Hormuz*, translated by: W.F. Sinclair, London: PRINTED FOR THE HAKLUVT SOCITY.
- “The Conversion of Tegüder Ilkhan to Islam” (2001), *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* (XXV), pp.15–43.

### List of sources with English handwriting

- Al-Maqdesi, Mohammed ibn Ahmad Shams-al-din (bītā), “Ahsan-al-taqasim fi ma ’arefat-al-aqalim”, vol3, Beirut: Dar-e-Sader.
- Al-Qattali Al-Kali, Sayed ebrahim seyed Khalil “Tazkerat-al-olama’ a val-mashayekh fi Jahangireh va savahel-e-jonoob”, manuscript owned by Seyed abd-al-ba’es Qattali.
- Al-Qattali Al-Kali, Sayed Mohammed (1983), “Tanbiat-al-monkarin men faza’ el al-avlia ’a al-salehin”, no pub.
- Aubin, jean (1969), “La survie de shilsu et la ruote du khunj -o- Fal”, *Iran*, No.7, London: pp.21-37.
- Ayati, Abdolmohammad (2004), *Writing the History of Wasaf, Publications of the Institute of Humanities and Cultural Studies*, Tehran.
- Bani Abbasian Bastaki, Mohammad Azam (1960), *History of Jahangiriyyeh and Bani Abbasi Bastaki*, by Abbas Anjum Rooz, (bīnā).
- Daneshvar, Mohammed Saeed (1998), “an introduction on the unpublished book of Tohfat-al-Qolub; analyze on the present manuscript” 8th international conference of the society for promoting the Farsi language and literature, Zanjan University.

- Eghtedari, Ahmad, *Ancient Larestan*, Tehran: no pub.
- Estakhri, Ibrahim-Ibn-Mohammed (bītā), “Al-masalik-val-Mamalik” Abuzaid Ahmad-Ibn-Sahl, Beirut: Dar-e-Sader.
- Habibi, Ahmad (1998), “*Mahya, a poet from south*”, Shiraz: Navid press.
- Ibn Battuta (1982), *Safarnameh, translated by Mohammad Ali Movahed*, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Ibn Zarkoob Shirazi (2010), *Shiraznameh, by Mohammad Javad Jedi*, Ehsanullah Shokralahi, Tehran: Academy of Arts.
- Ibn-e-Huqal, Abolqasem Mohammed (1938), “*Surat-al-Arz*” Vol 2, Beirut: Dar-e-Sader.
- Khairandish, Abdolrasoul (2015), *Persians against the Mongols*, Tehran: Abadboom Publications.
- Khaluri Mostafavi, Mostafa Abdolrahim (1982), “*Origin and genealogy of sadat Husaini: settlers of southern Iran, Islands, ports, and other parts of The gulf*”, U.A.E, No publisher.
- ----- (2005), ”*Tazkere-ye Al-HaShemi nasab Sadat Husaini*”, Dubai, U.A.E, Minstry of information&culture.
- Mahmoud Ibn Uthman (1979), *Ferdows Al-Murshidiyyah*, by Iraj Afshar, Tehran: Danesh Library.
- Mahya, Sayed Mohyaddin Taj-al-din ibn Taj-al-din (2011), “*Divan-e-mahya*”, by Mohammednoor Bakhshayesh, Shiraz: Eilaf.
- Manuscript of *Divan-e- Tohfat-al-Qolub*, by Sayyid Ibrahim Sayyid Khalil, owned by Mr. Sayyid Abdul Ba'ath Ghatali.
- Menhaj-al-seraj Jouzjani, Osman-ibn-Mohammed (1984), “*Tabaqat-e naseri*”, by Abd-al-hay Habibi, Vol2, Tehran: Donyaye Ketab.
- Monshi Kermani, Nasser al-Din (1983), *Samt al-ola*, Editor: Abbas Iqbal Ashtiani, under the supervision of Mohammad Qazvini, Tehran: Asatir.
- Mostovfi, Hamdullah (2009), “*Zafarnameh*” by Parveneh niktab'e, vol 6, Tehran, Publications of the Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Natanzi, Moinuddin, *Montakhab Altavarikh*, by parvin Estakhri, Tehran: Asatir: Mythology Print, Digital: Ghaemieh Computer Research Center, Isfahan.

- Rouieentan, Jaafar (2004), “*Sahrabagh in the passage of History*”, Dubai: U.A.E, (bīnā).
- Seyed Hamdi, Seyed Ali, “*Tazkerat-al-olama'a al-mosamma be tohfat-al-rāyebin fi zekr-e halat-e Shah seyfullah-e Qattal*”, manuscript.
- Shabankarei, Mohammad Ibn Ali Ibn Mohammad (1984), *Majma Al-Ansab*, edited by Mir Hashem Mohaddes, Amirkabir
- Teixiera, Pedro (1958), *kings of Hormuz*, translated by: W.F. Sinclair, London: PRINTED FOR THE HAKLUVT SOCITY.
- The Conversion of Tegüder Ilkhan to Islam" (2001), *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* (XXV), pp.15–43.
- Vosoughi, Mohammad Baqer (1995), *Khonj of the ancient passageway of Larestan*, Qom: Khorram
- ----- (2010), *Causes and factors of relocation of commercial centers in the Persian Gulf*, Tehran: Research Institute of Islamic History
- Yaqout Hamavi, Shahab-al-din Abu Abdullah (1995),”*Al-Mo'jam al-boldān*”, Vol1, Beirut: Dar-e-Sader.
- Yarib hatam, Mohammed (1997), “*Tarikh Al-Arab Al-Howlah*”, Kuwait: Dar Al Amin.



